



خانواده قدیمی ساکن امام خمینی ۷۰ از خاطرات قدیم محله می گویند

## از گندم کاری تا نام‌های قدیمی

هم محلی



یک روز که برای سوژه‌یابی در خیابان‌های محله امام خمینی می‌گشتیم متوجه نهال‌های گوجه‌فرنگی شدیم که مقابل یکی از منازل واقع در امام خمینی ۷۰ کاشته شده بود. باغچه کوچکی که گوجه‌های به گل نشسته‌اش توجه هر رهگذری را به خودش جلب می‌کرد و به گفته اهالی خانه خیلی‌ها را مانند ما مقابل منزلشان میخ‌کوب کرده بود. مشغول عکس گرفتن از آن باغچه کوچک بودیم که آقای عباس علی بدیعی زاده، مالک خانه، بیرون آمد و با روی گشاده‌سر صحبت را باز کرد. این معلم بازنشسته خوش ذوق، از قدیمی‌های محله خرمشهر است که ۲۰ سال از بازنشستگی‌اش می‌گذرد. وقتی خودمان را معرفی کردیم این خانواده میهمان نواز میزبان ما شدند و پس از کمی گفت‌وگو از قدیم محله‌شان گفتند.

### نام‌گذاری خیابان‌ها با اعداد

بدیعی زاده می‌خندد و می‌گوید: «قدیمی‌هایی مثل ما هنوز هم این خیابان‌ها را با همان نام‌های قدیمی می‌شناسند و کمتر از نام‌های جدید استفاده می‌کنند، برای همین وقتی آدرسی از من پرسیده می‌شود، ابتدا باید فکر بینم نام‌های جدیدی که می‌گویند مربوط به کدام خیابان‌هاست. از سال ۱۳۴۹ در امام خمینی ۷۰ ساکن هستیم. آن زمان نامش خیابان هفدهم بود البته منزل پدری‌ام هم در خیابان بیستم بود. سال‌هاست در خیابانی ساکن هستم که در آن بزرگ شده‌ام. وی سپس با اشاره به ابتدای خیابان امام خمینی ۷۰ نام چهارراه‌ها را این چنین توضیح می‌دهد: «از زمانی که یادمان هست این خیابان‌ها را به نام زهره، خورشید، مهتاب، صبا و صبری می‌شناختیم که نام‌های فعلی‌اش را به درستی نمی‌دانم. (طبق نام‌گذاری معابر نام‌های ذکر شده به ترتیب شوش، حسینیه، فکه، دهلاویه و حمیدیه است). بدیعی زاده ادامه می‌دهد: «در گذشته نام‌گذاری خیابان‌های عدل خمینی از چهارراه لشکر آغاز می‌شد و نام خیابان‌ها با عدد بود. خیابان یکم، دوم... خیابان خرمشهر فعلی را خیابان دهم یا همان دهم ضد می‌گفتند. محل سکونت ما هم که در امام خمینی ۷۰ است آن را خیابان هفدهم می‌نامیدند، اما پس از انقلاب نام‌گذاری این خیابان‌ها از میدان شهدا آغاز و تا میدان انقلاب ادامه دارد که میلان ما امام خمینی ۷۰ نام‌گذاری شده است.»

### مسیر ۳، ایستگاه مخابرات

همسر بدیعی زاده هم به جمع ما پیوسته و می‌گوید: «آن زمان تا میلان پانزدهم آسفالت شده بود و بقیه این مسیر خاکی بود. اتوبوس‌های یک‌قرانی قاسم‌شهرسوار هم تاجای مخابرات می‌آمدند که مسیر ۳ ایستگاه اتوبوس بود. مسیر اتوبوس از ایستگاه مخابرات به سمت چهارطبقه، خسروی و حرم می‌رفت، سپس از آنجا دور می‌زد و بر می‌گشت این مسیر هم که همه‌اش خاکی بود.» وی ادامه داد: «در چهارراه لشکر یک آب‌انبار بود که اگر اشتباه نکنم و ذهنم یاری کند مکان فعلی مسجد جواهری فعلی است. باز هم خیلی به خاطر ندارم، آب‌انبار حدود ۱۰ پله پایین می‌رفت، آب‌زادی داشت. در پنج‌راه شاپور (دیدگاه لشکر) هم کاریز آبی بود که خیلی آب داشت گاهی خانه‌ها آنجا جمع می‌شدند و لباس می‌شستند.»

### محله امام خمینی، اراضی الندشت

قبل از این تغییر و تحولات محله امام خمینی هم جزئی از اراضی الندشت بوده و در این محدوده گندم کشت می‌شده است. آقای بدیعی زاده با بیان این موضوع ادامه می‌دهد: «آن طور که از قدیمی‌ها شنیده بودم تمام این زمین‌ها زیر کشت گندم بوده است و کم‌کم به محل مسکونی تبدیل می‌شود. اکنون هم که در سند‌هایمان نگاه کنید نوشته شده اراضی الندشت، فکر می‌کنم عدل خمینی، سردادر، بهشتی و کوهسنگی هم جزو زمین‌های الندشت بوده است.» وی با اشاره به نبود امکانات و استفاده حداکثری مردم از حداقل‌های زندگی تعریف می‌کند: «جوی گناباد از کنار کوهسنگی می‌گذشت، بیشتر روزها عصر که می‌شد به آنجا می‌رفتیم و آب‌تنی می‌کردیم، خیلی شلوغ می‌شد، البته آن‌هایی که شنای یادداشتند نمی‌توانستند به استخر می‌رفتند و شنا می‌کردند. گاهی هم غروب با موتوری که دارم همسر و فرزندانم را برای گردش به بولوار وکیل آباد می‌بردم.»

### دانش آموزان قدیمی خودشان درس می‌خواندند

از دیگر خاطرات این معلم قدیمی می‌توان به حال و هوای تحصیل در آن دوران اشاره کرد. او می‌گوید: «در فلکه شیر محمد کلاس پنجم درس می‌دادم. ۵۰ دانش‌آموز داشتم، یکی از آن‌ها را که هل می‌دادیم بقیه دانش‌آموزان هم به‌طور خودجوش درس می‌خواندند ما هم از دل و جان به آن‌ها آموزش می‌دادیم. دانش‌آموزان آن زمان قدر دان بودند. این روزها می‌بینم والدین به‌ویژه مادران بیشتر از دانش‌آموزان درگیر درس خواندن هستند.» وی با اشاره به اهمیت و ارزش شغل معلمی توضیح می‌دهد: «گاهی در خیابان خودرویی جلوی زاده می‌ایستد و حال و احوال پرسسی می‌کند، خیلی وقت‌ها پیاده می‌شوند و خیلی هم گرم می‌گیرند متوجه می‌شوم از دانش‌آموزانم هستند، دیدن ثمره کار بعد از سال‌ها خیلی برایم ارزنده است. وقتی دانش‌آموزان قدیمی ام صورت‌ها را می‌بوسند، قلبم از شادی می‌تپد و همیشه صورت‌ها را به آسمان می‌کنم و شکر خدا را به جا می‌آورم. به او می‌گویم خدایا من لیاقت این همه لطف و محبت تو را ندارم، این بنده‌های تو قدر شناس هستند من چطور قدر دان شما باشم.»

### روزهای کرونایی و باغچه‌های کوچک

خانه کوچکی دارند، اما خیلی باصفاست. گل‌دان‌های کوچک در دو سمت حیاط چیده شده و نمایی زیبا به آنجا بخشیده است. کنار پله‌ها تعدادی آفتابگردان به چشم می‌خورد که آقای بدیعی زاده می‌گوید: «این نتیجه روزهای کرونایی است. مجبوریم در خانه بمانیم و به نوعی خودمان را سرگرم کنیم.» این زوج قدیمی از هر فضای مفیدی برای نگهداری گل و گیاه و پرندگان استفاده می‌کنند. روی دیوار دو لانه کوچک نصب کرده‌اند که لانه دو قمری (موسی‌قوتقی) است یک جفت آن میهمان ۱۰ ساله خانواده آقای بدیعی زاده هستند که هیچ‌وقت لانه‌شان را به پرنده دیگری نمی‌دهند. پسر خانواده که در جمع ماننشسته است می‌گوید: «هر روز صبح ۲۰ الی ۳۰ قمری و گنجشک دور پدر می‌نشینند تا برایشان دانه بریزد.»

در گذشته  
نام‌گذاری  
خیابان‌های  
عدل خمینی از  
چهارراه لشکر  
آغاز می‌شد

